

از آنجا و دخول در اسکندریه و غیره مخالف است - تذکره دلیل
 است بر اینکه صاحب آن مجاز است بدخول و خروج حکومت
 سلطانی و اهل تذکره مستثنی است از اعداد ضمیمه نگاران
 سلطنت روس و فرانسه و نصرانی - و بدین جهت وقت
 دادن تذکره تحقیقات سرسری برند و بدون ضمانت و معرفت
 یکی از اهل عرب محض اجنب را تذکره ندیده - لیکن درین کار
 مشکلی نیست در چشم زدن طی میشود و هر چند فروش بیج
 خرج نس افند - تذکره را که از کما معظری می آید و بدان در قبی دیگر
 در اسکندریه می چسباند آنرا وقت مراجعت در ایفا مهمان مرکب
 و خانی میگیرند و نفوس رئیس مرکب کنند و افراد منقره و جداگان
 را همچنان در دست مسافر گذارند - چون مرکب در اسکندریه
 رسیده رئیس آن فوراً افراد تذکره را در کارخانه اسکندریه
 فرستد و از همان کارخانه نازلین مرکب را راه شهر دهد -
 کارگذار کارخانه نام مسافر از تذکره مقابل کرده بذریعه پزیره
 عالیجه رخصت خروج از یک دروازه فرماید - و هر روز دیگر باید
 که مسافر افراد منقره را که بدست ادست در آن کارخانه ببرد
 و در آن هم نام مسافر مطابق تذکره که معظری مندرج است -
 پس کارگذاران انجام تذکره که معظری واپس کنند و فرد موصول
 بست ایتمه خود را از آن بتراشند و فرد منقره را واپس کرده بجای
 آن فردی جداگان بچید دهند *

فصل هفتم

در روزانگی از اسکندریه بطرف یانا بومرکب دخانی و اقامت امکان

سهول صیقل الغنی و فا

بدانکه عاجز چهار روز در اسکندریه اقامت و زنده بر
 مرکب دخانی از آن قوم نسیما که [این هم یکی از طایفه نصابی
 باشند] پادامی کرایه مرکب و باخذ مذکوره دیگر که آن صرف نسبت
 ادای کرایه مرکب می باشد سوار گردید و در یک شبانه روز در بندر
 یافا رسید - کرایه مرکب در اسکندریه سرکس بحساب چهار
 ریال چیز می زاید دادیم و بر سطح مرکب ماندم و برای مسنورات
 یک کوتهری از آن کوتهریهای بعضی کار گذاران مرکب گرفتیم -
 دستور این چهار چنانکه چند کوتهری بدست نصرفت بعضی اعظم
 عهده داران مرکب برای راحت و آسایش آنها معین مالک
 مرکب را دزدان تعرض نه منحرفان کوتهری از طرف خود بکرایه میدهند
 و بجای خویش می نشاندند و نفع آن می باشد خود بر سطوح
 و دیگر حوالی و جوانب مرکب گذر می کنند - لیکن این امر مشروط
 است باینکه راکب چهار کرایه مالک بابت ادای درجه ادا کرده
 باشد - چرا که سوار بر چهار بدون ادای کرایه اجمل مالک ممکن
 نیست - بدین سبب نسبت مسنورات نیز بحساب متذکره
 صدر کرایه داده سوار شدیم و بمقام اقامت مسنورات در کوتهری

کردیم دوگینی مجیدی طلائعی که قیمت هر دو تخمیناً نهه ریال
 چیزی کم و بیش میشود. بمتصرف کوتهری دادیم - در یافا
 تماشای اسباب و صنایع' تذکره اولی میشود و تذکره' که نسبت
 ادای کرایه' مرکب است آنرا رئیس مرکب هنگام قرب
 منزل مقصود از اهلان تذکره' واپس میگيرد - و همچنین دستور
 جمله مراکب دخانی است مرکب از اسکندریه تا یافا. یک
 شبانه روز رسد و آن بندر است عزیز خوش اسباب
 اشیاء ماکل و مشارب از هر جنس موجود - علی الخصوص
 قسمی از نان خمیری نادر وجود - سیب و انار و گولر و انجیر
 و انگور و خربزه در غایت ارزانی - باغات فوا که به نهایت فردانی -
 مسجدی جامع اندرون شهر دافع این مسجد مشتمل است
 بر دو دروازه یکی شمالی دیگری جنوبی - بر در شمالی حوض و مطهره
 کثیر و محال خروج و دخول عامه خلافتی - و متصل باب جنوبی و کاله
 عید عبد الغنی و فائونهایت مرد لایق ذمی مروت و خلیق در حال
 مسافران شفیق مردم زنده دل و بشاش - ناجر بعضی قسم
 ثياب و قماش - در یافا مکان برای سکونت میسر نه آید الا بمشقت
 تمام عاجز سه منزل کوتهری کرایه گرفته سه روز در آنجا مقیم
 مانده و ودیم ریال کرایه داده بسوی رمله که مژا میباشد بس
 متبرک رخت سفر بسته •

فصل هشتم

در روانگی از یافا بطرف رمله و زیارت عین ناصالح و سیدنا
ایوب علیهما السلام و عین ناصالح ابن عباس و ام الفضل
و دیگر بعضی صحابه علیهم الرضوان و عین ناصالح الرحمن
بن باهزید بسطامی و عین ناصالح ابن محبوب سجستانی و
امام نسائی و دیگر بعضی بزرگواران قدس الله اسرارهم *

بعد نماز ظهر از یافا سوار شدیم و آخر عصر در رمله رسیدیم *
بدانکه وقت مقدم از یافا فاصله دو ازده سپرده کرده وارد و تا رمله
بلکه تا قریه قیاب که نصف الطریق است راه هرگز صاف
و پاک است و بعد از آن کوه و منارات هونانگ - و سواری
از یافا جز بغال و حمار یا اسپان دیوار دیگری مروج و سمول
نیست - و اگرچه شتران بکثرت مهیا لیکن از کار سواری مطابقت
معمرا چرا که شغرف و شبری حسب قواعد دیار حجاز درین
محل ناپیدا و برای زمان دد شغرف چوبی صغیر هر دو طرف
بر بغال بندند و همین طور ناپیت المقدس رسانند - چون فاصله قلبیل
و ابر کشیر هرگز مختصی مستحیل نمیشود نشیب و فراز کوه را از قیاب
ناپیت المقدس که زاید از شش کرده نیست عسیر الانقطاع
نباید مشرد و نرد همت نباید باخت لیل و نهار مسافران را
گذرگاه است و زایران بیت المقدس را همین راه - آب سرد

طایفه در فرامی جنبیده و بسا همین عنبر طرادت افزای زبان و کلام -
 و جائیکه خواهند در سایه درختان زنبون و غیره محل آسایش
 و آرام - اگر چه ساکنان این دیار قطع منازل اکثر در شب
 معمول دارند لیکن ساکنان دیار غریب خصوصاً اهل هند را
 که غیبت القومی می باشند نباید که شب از یاقا رخت سفر
 بندند بلکه بروز روشن گذر نمایند - و با مالک بغداد و حماد و غیره
 که آزماکاری گویند وقت تقدر کرایه شرط نوتف و اقامت
 اثناء راه بنظر حصول زیارت آسایش و راحت باید نمود - غرض
 زمام اختیار نسبت اقامت اثناء راه و غیره بدست اهل بغداد
 نباید گذاشت * طایفه با جهاد کسان در رمله در مسجد که از
 معتقدات رومیه اقدس هیل نافضل ابن عباس عم رسول صلی الله
 علیه و آله است بر احوال تمام یکشب در روز بسر کرده و از زیارت
 آنجا مشرف گشته * رمله مقامیست بس عالی و مجمع بسی اکابر
 و دلی - مسجد بزرگ گشته آن مدفن سیدنا صالح علیه السلام
 است طول و عرض و شان و عمارت آن اگر قریب نصف
 مسجد اقصی که ذکرش متعاقب می آید گویند بحاست لیکن
 افدح که آن مسجد بالکلیه ویران - و در دیوارش از هر جا دفنان -
 اکنون محل نباتات و حشرات الارض - نه مقام ادای نوافل و فرض *
 و افارافلسطین هم نامند و در کتب نوازین ذکرش بسیار آرد از سوادش
 مستنبط که بزمان پیشین بلند عظیم الشان و مجمع انبیا و اولیای

ذوی المكان بود صاحب انص الجامل فی زار الخ القمص والنجائل کسی از
 حقایق مساجد و مدارس و خیرات و برکات فلسطین حکایت
 کرده است لیکن عاجز و نسیب ما اعظم ' تفصیلی نیاست *
 مقامات زیارت در رمله

قبر نبی الله سیدنا ایوب علیه السلام خارج بلد در گنبد ویران * قبر
 نبی الله سیدنا صالح علیه السلام در گوشه مسجد متذکره بالا * و در
 ترخان مسجد قبور چهل کس غازیان خارج از بلد * قبر سیدنا فضل
 ابن عباس رضی الله عنهما یعنی ابن عم رسول الله صلی الله علیه وسلم
 من الصحابة مقبلان بلد * قبر سیدنا زین رضی الله عنه من الصحابة قریب
 سیدنا فضل ابن عباس رضی الله عنهما * قبر هفتم بزرگان از بدوین
 رضی الله عنهم یعنی از جمله آنها که در جنگ بدر برعهیت رسول مقبول
 صلی الله علیه وسلم بودند من الصحابة و را حاطه العاصمه قریب مسجد
 متذکره بالا * قبر سیدتنا البیة الکبریٰ ام سیدنا فضل ابن عباس رضی الله
 عنهم من الصحابة خارج بلد در میدان بدون قبر * قبر سیدنا ابی
 صالح القدامی من الصحابة رضی الله عنه قریب بلد * قبر سیدنا امام
 البرزخ من التابعین قدس الله سره قریب قبر سیدنا ایوب علیه السلام *
 قبر سیدنا حمید الرحمن ابن حضرت سیدنا باقرین بسطامی قدس سرهما
 داخل بلد * قبر سیدنا صالح ابن محبوب سجستانی قطب ربانی سیدنا
 عبد القادر جیلانی قدس الله سرهما داخل بلد * قبر سیدنا امام نسائی علیه
 الرحمة جامع سنن نسائی در جنب مسجد متذکره بالا * قبر حضرت

ابو الخجیل علیه الرحمة بیرون اتاظم **سبخر** * قبر اسعد و سعید علیهما
 الرحمة از اکابر دین خارج بلد * قبر حضرت امام خیر الدین صاحب
 فتاوی علیه الرحمة خارج بلد * قبر عبد اللہ بطایعی علیه الرحمة خارج
 بلد * قبر سید قلجی علیه الرحمة خارج بلد * قبر سیدتنا حلیمه * کن
 مشکوک چرا که حلیمه سعدیه رضی الله عنهما در مدینه منوره مدفون
 غالب که خایره دیگر باشد قریب البلد * قبر جعفر ابوالعباس علیه
 الرحمة متصل بلد * قبر شیخ رسولان علیه الرحمة قریب البلد * قبر
 سید السلطوحی ابن اخت سید احمد بدوی قدس سرهما * قبر سیدنا
 ابوسعید از اولاد سیدنا عمر ابن خطاب رضی الله عنهما داخل بلد * قبر
 سید نوران علیه الرحمة * قبر شیخ شهاب الدین زملی علیه الرحمة *
 قبر شیخ محمود عدوی علیه الرحمة خارج بلد * قبر سید صالح من
 السادات علیه الرحمة خارج بلد * قبر شیخ نجیب من اصحابنا قریب
 البلد علیه الرحمة * قبر شیخ ابوالعون من اولاد سیدنا عمر بن خطاب
 رضی الله منه * قبر شیخ ابوالهدی ابن شیخ ابوالعون علیهما الرحمة *
 قبر حضرت علیحی علیه الرحمة از اولاد سیدنا عمر خطاب رضی الله
 عنه * قبر سید الزبلی از یاران امام اعظم علیهما الرحمة * قبر
 شیخ البای علیه الرحمة * قبر سید تقی الدین علیه الرحمة * قبر سید
 احمد الحمار من السادات علیه الرحمة * قبر شیخ ابوالودائع
 علیه الرحمة * قبر شیخ محبوب علیه الرحمة * بدانکه ما بین مقبره سیدنا
 صالح علیه السلام و حکیم لغمان علیه الرحمة مردیست که دو عدد دیبناه

نبی را مقام است علی نبینا و علیهم الصلوة والسلام لیکن اسما
کسی معلوم نیست - زمین شام ، مجمع انبیا است * و زیارت
قبور حضرت حکیم لقمان که در اثناء راه بود از خطاء مکاری فوت شد
انشاء الله تعالی در سفر مراجعت بناافیش خواهیم پرداخت
و حقیقت آن آنوقت خواهیم نکاشت شبانه روز در راه مقیم
مانده رخت سفر کسومی بیت المقدس بسیم *

فصل نهم

در رسیدن بیت المقدس و بعضی فضایل آن معتبط

از قرآن مجید و احادیث شریف

الفرض اوسط ظهر از رمله سوار شریف وقت مغرب در اثناء
راه مخدومی جناب حکیم محمد اسمعیل صاحب یکایک بعارضه
اسمال سهتلا شدند باعث پیروی بسیار زحمت کشیدند گاهی میگفتند
که وقت ما آنراحت و گاهی میفرمودند که لون ما متغیر گاهی کاهات و صیت
بر زبان جاری و گاهی اشاره ایانس ازین بیماری - عرض داشتیم
* گر دنج پیدشت آید و گر راحت ای حکیم *

* نسبت مکن بغير که اینها خدا کند *

دران محال که شب تاریک و راه بلرک جبال نمرکه زیر و بالا
سنگ ریزه زیر پا بود صعب صرت افروز که نه پامی رفتن و نه تاب
ماندن - کشان کشان دافقان و غیران در قهوه خانه باب الواد رسیدهیم

اتفاقاً فیهو خانہ از مسافران فارغ نبود اجماع آنها چون مورد مانع
 مینمود ایچنان زیر دامن کوه شب را سحر کردیم - درین عرصہ حکیم
 صاعب را سکون و اطمینان شد - مباح عنان عزیمت بسوی
 بہت المقدس برداشتیم قریب دو بہر محافظ و آمان در تکیہ ہندی کہ
 شیخ یعنی رئیس آنجا مردی ہندی بیل اللہ خوجہ است فروکش
 شدیم - نامبرده در اخلاق و راحت رسانی مرد منقول لبیکن پیچارہ
 نہ در طایفیہ زمان دنہ در زمرہ فحول - در ان مکان سامان راحت
 ہر طرح آمادہ و ہر چیز از ضروریات پیش او نہادہ نہار بیچ متعہدہ
 مواد آذ آب برف - مسجدی اندرون احاطہ تکیہ نہایت شگرت -
 در فغان نوت و انجیر در صحن سایہ کسٹر - بوریہ غیرہ مسافران
 را مہر - کل راہ بردز درود فرست زیارت بیت المقدس
 کہ مراد از مسجد اقصی است نداد مباح زیارت کردیم دیدہ منتظر
 را نورے و خاطر مشفق را سردیکہ حامل شد اگر تمام زمین
 صفحہ کاغذ شود توأم نوشت - مسجد شریف را اجنہ تعمیر کردہ اند
 و سنگ را پر مور شمرده اند ہر جا کہ خواستہ اند کوی از بیخ دین
 قائم کردہ اند و در زمین تا طبقہ سابع نام شستی خاک
 نگذاشتہ اند سجادہ سنگ بر روی آب گسندہ اند * مدح آن
 انسان را چہ لائق کہ آیات و احادیث صحیحہ بران مطلق - شاعران
 سخن پرورد منشہیان معنی آورہ در ہر مہر و دیگر مقامات
 منبر کہ بہ بالغ نسبت بہ مسجد اقصی آرند - و چون خاص مذکور مسجد

افصی باشد مشبه به که اعلی از مشبه بایه از کجا آید که کسی
 باستعاره و تمثیل پیروا از - ای کجا زمین سخن سنگ زار و راه
 این دشت دشوار گذار است آداب مسجد مانع قبل و قال و
 سکوت اولی در همه حال فضایل بیت المقدس در قرآن مجید
 یستمار است و احادیث شریف درین خصوص بسیار -
 ندی از ان تیمنا و تمبر کا گوش گذار کرده می آید قال الله تعالی
 سبحان الذی امری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد
 الاقصی الذی بارکنا حوله * اگر گویند که اسرا در لذت
 بسعی سیر شب آمده پس در آیه شریف ذکر لیل
 چه فایده داده جواب اینست که حق تعالی لفظ لیل را نکره آورده
 و تکبیر دلالت میکند بر بعضیت و قصر زمان پس معلوم شد
 که در آن شب باندک زمان سرور عالم صلی الله علیه و سلم
 تشریف برد و رجوع فرمود باوصف آنکه از مکه تا بیت المقدس چهل
 روزه راه بود - و تأیید میکند این فایده را قرات سعیدنا عبد الله بن مسعود
 و حلیفه بن الیمان رضی الله عنهما که درین آیت من اللیل خوانده اند
 یعنی بعض النیل - کقوله تعالی و من اللیل فتشجده نافلة لک که امر قیام
 در بعضی لیل است * نکته اگر گویند که چه حکمت است درین
 که حق تعالی حبیب خود را صلی الله علیه و سلم از مکه منظمه اول
 در بیت المقدس رسانید و از انجا بر آسمان رید و فرستاد و اهره
 بر آسمان طالب نفرمود - جواب اول اینست که بیت المقدس

محشر خالق است پس حق تعالی شرف گردانید آنرا بقدم
 رحمة للعالمین صلی الله علیه و سلم تا آسمان شود بر است و می و قوف
 رسیدن قیامت بر برکت اثر قدم انبئی صلی الله علیه و سلم *
 دوم اینکه بیت المقدس مجمع ارواح جمیع انبیاء علی ذیننا
 و علیهم الصلوة والسلام است پس شرف گردانید حق تعالی
 آنها را بزیارت سرور کائنات در آن محل - تا آنکه همه نماز
 گزارند با قدم سید الکوین صلی الله علیه و سلم و اقرار کردند
 بر فضیلت و شرف حضرت صلی الله علیه و سلم - چون هر طرح
 تکمیل فضیلت گردید پس به تمام و قرب و اختصاص طلب
 فرمود * دوم آنکه - از رفتن بیت المقدس مشاهده احوال دمقات
 آنجا کردید و کفار که همیشه آمد و رفت بلاد شام برای تجارت
 میداشتم برای آنها معجزه عظیم شد که صبح شب معراج حقایق
 آنجا از سرور عالم صلی الله علیه و سلم پرسیدند حضرت مطابق واقع
 خبر دادند آنها ششدر و حیران ماندند * نکته - اگر گویند که حق تعالی
 فرمود باز کنحوله و نفرمود بازگما علیه از بازگذا فیه باد صفت آنکه برکت در
 نفس مسجد اقصی بیشتر است از خارج و حول آن * جواب
 اگر مراد برکت دنیوی است یعنی آنها جاریه و اشجار ستمه
 تا آن خارج مسجد است نه در نفس مسجد - و اگر برکت دینی
 مقصود است تا فایده تسمیم و اشتمال پیدا کرد که مراد از حول تمام
 ارض شام و مغارب است و آن اوسع است از مقدار

بیت المقدس - و چون مبارک فرمود بقاع نواح د نوابع را بس
برکت و شرف اهل شعی بطریق اولی از آن مفهوم بخلافت
العکس قال الله تعالى واذ قال موسى لقومه یا قوم ادخلوا الارض
المقدسة مراد از آن همین بیت المقدس است - و درین آیه
شریف و نجیناه و لوطا الی الارض التي بارکنا فیها للعالمین
بروایتی همین بیت المقدس متصور است قال الله تعالى ان الارض
یونها عبادی الصالحون آخر قول اینست که آن زمین همین
بیت المقدس است قال الله تعالى و آویناهما الی ربوة ذات قرار
و معین ابن عباس رضی الله عنه میفرماید که آن بیت المقدس است
و همچنین قتاده و کعب رضی الله عنهما تفسیر کرده اند - و کعب رضی الله
عنه بر آن دلیلی مذکور میفرماید که ربوة بمعنی مکان مرتفع از زمین آمده
و بیت المقدس بحجره میل قریب است از آسمان نسبت
زمین تمام دنیا - و گفته اند در معنی این آیه و استمع یوم یزادی العناد
من مکان قریب که منادی اعرابیل علیه السلام است که نداء حشر خواهد
داد از صحرة بیت المقدس قال الله تعالى فی بیوت اذن الله ان ترفع
و یذکر فیها اسماء مراد از آن بقول بیت المقدس است و قوله تعالى
وواعدنا کم جانب الطور الا یمن مراد از آن همین بیت المقدس
است و قوله تعالى ولقد ہونا بنی اسرائیل مہجاء صدق اشاره بطرف
همین بیت المقدس است و قوله تعالى اذ ناداه ربہ بالواد المقدس
طوی مراد همین بیت المقدس است * بدانکہ صغر بسما مقام

عبادت عظیمی است و حمد حرکات و سکینات و هر یک قدم
در آن داخل طاعت است یکی مسجد نبی الحرام در مکه - دیگری مسجد
النبی صلی الله علیه و سلم در مدینه - سوم مسجد الاقصی * قال النبی صلی الله
علیه و سلم لا نشد الرجال الا الی ثلثة مساجد المسجد الحرام
و مسجد الرسول صلی الله علیه و سلم و المسجد الاقصی روایت
است از انس ابن مالک رضی الله عنه من اتى بیت المقدس غفر له
و رفع له أربع درجات هر که بیاید در بیت المقدس عفو کرده شود
گناهان او و بیاید کرده شود رتبه او چهار درجه - روایت است از
کعب رضی الله عنه ان الله عزوجل با بان مفتوحان فی السماء الدنيا
یجداء بیت المقدس ینزل کل لیلة منهما سبعین الف ملک
یستغفرون لمن اتى بیت المقدس حق تعالی را دو دروازه مفتوح
اند در سماء زیرین بمقابلة بیت المقدس که نازل میشوند هر شب
از هر دو در پنجاه هزار فرشته و آنها طلب مغفرت میکنند برای کسیکه
در بیت المقدس آید - و روایت است از انس ابن مالک رضی الله
عنه - عن رسول الله صلی الله علیه و سلم من زار عالما فکانما زار
بیت المقدس و من زار بیت المقدس حرم الله جسده صلی النار
هر که زیارت کند عالم را گویا که زیارت کرد بیت المقدس را
و هر که زیارت بیت المقدس کند حرام نمایند حق تعالی جسم او را
بر دوزخ - روایت است از کعب رضی الله عنه من اتى بیت
المقدس لحاجة لا یسئل الله غیرها اعطاه الله ایاها هر که آید

در بیت المقدس برای حاجتیکه سوال نمیکند از حق تعالی غیر آن
 حاجت بس بر می آرد حق تعالی حاجت او * روایت میکند
 عبد الله بن عمر و ابن عباس رضی الله عنه قال سمعت رسول الله صلی الله
 علیه و سلم یقول صلواته فی بیت المقدس خیر من الف صلوة
 فیہ سواہ الا المسجد الحرام و مسجدی ہذا گفتم کہ شنیدم
 رسول الله صلی الله علیه و سلم را کہ میفرمود یک نماز در بیت المقدس
 بهتر است از ہزار نماز در غیر آن سواہ مسجد الحرام و مسجد ما *
 و ابو دراری رضی الله عنه روایت میکند از رسول الله صلی الله علیه و سلم قال
 نزل الصلوة فی المسجد الحرام علی غیرہ مائتہ الف صلوة و فی
 مسجدی الف صلوة و فی مسجد بیت المقدس خمسۃ مائتہ
 صلوة فضیلت یک نماز در مسجد حرام نسبت دیگر تمام یک
 است و در مسجد ما ہزار نماز و در مسجد بیت المقدس ہانصد
 نماز * و در روایت دیگر آمدہ گفتم کہ صلوة فی المسجد الاقصی
 بعشرون الف صلوة یک نماز در مسجد الاقصی نوابست ہزار
 نماز دارد * روایت است از مکحول رضی الله عنه من خرج الی
 بیت المقدس لغير حاجۃ الا الصلوة فصالی خمسۃ صلوات صبحا
 و ظہرا و عصرًا و مغربًا و عشاء اخرج من خطبته کیوم ولدته امہ
 ہر کہ برود بنظر بیت المقدس و کاری ندارد سواہ نماز و ادا کند
 نماز پنج وقت یعنی صبح و ظہر و عصر و مغرب و عشاء بس می بر آید از
 گناہان خود گویا کہ آن روز مادرش ادا را زاید * روایت است از معاذ بن

رضي الله عنه من صام يوماً في بيت المقدس كان له برائة من النار
 هر که روزه دارد یکروز در بیت المقدس حاصل شود او را برائت از دوزخ *
 و روایت کرده اند از امامی قال - انیس و انخصر یصومان فی بیت
 المقدس ویوافیان الموسم فی کل عام الباس و خضر علیهما السلام روزه
 میدارند در بیت المقدس و می آید بموسم برای حج هر سال * روایت
 است از ام سلمه رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
 من اهل حج او عمرة من المسجد الاقصى الى المسجد الحرام
 فخر له ما تقدم من ذنبه و ما تاخرو و جبت له الجنة فرمود رسول الله
 صلى الله عليه وسلم هر که احرام حج یا عمره بندد از مسجد اقصی بطرف
 مسجد الحرام آرزیده شود گنااتن پیشین و پسین او واجب گردد
 برای او جنت - ذکر کرد این حدیث را دارقطنی صاحب انس الجلیل
 ذکر کرده که سیدنا عمر خطاب رضي الله عنه و سیدنا عبد الله ابن عمر
 رضي الله عنهما از بیت المقدس احرام بستند * روایت است از
 ابن عمر رضي الله عنهما عن رسول الله صلى الله عليه وسلم من احرم من
 بيت المقدس قدم مكة مغفورا از رسول الله صلى الله عليه وسلم هر که
 احرام بندد از بیت المقدس داخل شود در مکه مغفور * و در روایت
 دیگر از ابن عمر رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم من احرم
 معتمرا في شهر رمضان من بيت المقدس عدلت عشر غزوات
 مع رسول الله صلى الله عليه وسلم هر که احرام عمره بندد در شهر
 رمضان از بیت المقدس گویا که برابر می شود ده جهاد را بمغیبت

رسول الله صلى الله عليه وسلم * روایت است از جابر رضي الله عنه -
 ان رجلا قال يا رسول الله بي الخاق اول دخولني الجنة - قال - الا انبياء -
 قال يا نبي الله ثم من - قال - الشهداء - قال يا نبي الله ثم من - قال
 مؤذنون بيت المقدس - قال يا نبي الله ثم من - قال مؤذنون مسجدي -
 قال يا نبي الله ثم من - قال - سائر المومنين على قدر اعمالهم شخصي
 پرسید یا رسول الله صلى الله عليه وسلم - اول خالق کدام است که داخل
 خواهد شد در جنت - فرمود که انبياء عليهم السلام - گفت یا نبی الله
 بعد ازان کدام - فرمود شهداء - گفت یا نبی الله بعد ازان کدام - فرمود
 مؤذنین بیت المقدس - گفت یا نبی الله بعد ازان کدام - فرمود مؤذنین
 مسجد ما گفت یا نبی الله بعد ازان کدام - فرمود سائر مومنین حسب
 اعمال خود * روایت است از حسن بصري رضي الله عنه من تصدق
 في بيت المقدس بدرهم كان فداؤه من النار ومن تصدق برضيف
 كان كمن تصدق بمائة الارض ذهبها هر که صدق کند در بیت المقدس
 یک درهم فدیة او خواهد شد از دوزخ و هر که صدق دهد یک نان گد یا که
 صدقه داد غلای بروی زمین گسترده * روایت است از سعیدنا علی بن
 ابي طالب رضي الله عنه - عن رسول الله صلى الله عليه و سلم حين البقاع
 بيت المقدس - و سيد الصغور صغور بيت المقدس از رسول خدا صلى الله
 عليه وسلم که سردار زمین بیت المقدس است و سردار
 صغور صغور بیت المقدس * مخفی مباد که ذکر صغور شریفه
 . متماقب بالتفصیل می آید * روایت است از کعب رضي الله عنه

من مات فی بیت المقدس فقد جاز الصراط وان المقبره فی بیت المقدس
لا یعذب هر که بمیرد در بیت المقدس بی تاملن گذر خواهد کرد
یا صراط را و مدفون بیت المقدس عذاب نکرده خواهد شد روایت
است از وهب بن منبهه رضی الله عنه من دفن فی بیت المقدس
فقد نجی من ذنبة القبر و ضیقه هر که دفن کرد میشود در بیت المقدس
پس نجات یافت از فتنه و تنگی گور * روایت است از خلیل
ابن دحلج قال سمعت الحسن رضی الله عنه یقول من دفن فی بیت المقدس
فی زیور الملة فکانما دفن فی السماء الدنيا کذا کذا که شنیدم از حسن رضی
الله عنه که میفرمود هر که دفن کرد و خواهد شد در بیت المقدس
در زیور الملة گویا که دفن کرده شد در سما دنیا * روایت است
از وهب بن منبهه رضی الله عنه - قال اهل بیت المقدس حیرت الله و حق
طی الله تعالی ان لا یعذب حیرت الله حاکن بیت المقدس حیرت الله حق تعالی
استدلال لازم گرفت حق تعالی بر خود که عذاب نکند حیرت الله خود را *

فصل دهم

در وجه تسمیه و تعداد اسماء مسجد اقصی *

سمی الاقصی لبعد المسافة بینه و بین المسجد الحرام وقیل کان هذا ابع
مسجد عن اهل مكة فی الارض یعزم بالزیارة - وقیل لبعد عن الافکار
والعجایب * ووی انه سمي الاقصی لانه وسط الدنيا لا یزید شیئاً ولا ینقص -
یکذا ذکر صاحب انس الجلیل فی تارة القدس و الخلیل *

اسماء بیت المقدس

اولیا بلامرؤد مکسوره و یا تختنایره ساکنه و لام مکسوره هر وزن
 کبریا - بیت المقدس افتوح میم و سکون قاف بمعنی مکان پاک
 از گناهان - بیت المقدس بضم میم و فتوح قاف و دال مشدده
 بیت المقدس بضم میم و سکون قاف - شلم بشین معجزه و
 تشدید لام - سلم بسین مهمه و کسر لام - یود شلم لفظ عبرانی است
 بمعنی بابت السنام * صیهون بکسر حاد مهمه و یقال له مسجد بیت المقدس
 ذیتون و لا یقال له الحرم مکلفی الا من الجمیل * و درین زمان در
 اکثر بلاد و مقام زبان زد هر خاص و عام بر قدس است از کثرت
 استعمال میم را یک قام حذف کرده اند *

فصل یازدهم

در احوال عمارت بیت المقدس و طول و عرض آن *

اول ملائکه این را بنا کردند بامر الله تعالی و در حدیث شریف
 آمده است از ابا ذر الغفاری رضی الله عنه که پرسیدم از رسول
 مقبول صلی الله علیه و سلم که کدام مسجد در دنیا اول موضوع شده
 فرمود رسول مقبول صلی الله علیه و سلم مسجد الحرام باز پرسیدم که
 بعد از آن کدام مسجد فرمود مسجد اقصی باز پرسیدم چه قدر فرق
 زمانه در میان هر دو مسجد است - فرمود چهل سال چنانیکه
 وقت نماز یابی ادا کنی که بزرگی دارانست * و از امام قدیم بعضی بانی

مسجد اقصی حضرت آدم علیه السلام را و بعضی سام بن نوح علیه السلام را و بعضی یعقوب بن اسحاق علیهما السلام را و بعد این همه حضرت داود و سلیمان علیهما السلام را گویند - پس مطابق وقت درین احوال بدین نبط می‌شود که این همه بزرگوار مجرد بنا قدیم اند مره بعد آنری نه موسس - یعنی اولاً ملایکه بنا نهادند بعد از آن بمقتضای : ع ا * هر که آمد عمارتی نو ساخت *

این بزرگوار بتجدید و ترمیمش پرداختند - و حضرت داود و سلیمان علیهما السلام آنرا محال عالیشان و دار الساطنت ساخت * در روایت بناء سام ابن نوح علیه السلام قونی خا ص و نزد که او قبض کرده بود مدینه ناموس را و بناک آنجا بود و عمرت بیت المقدس در عهد سلطین ماسبق یعنی تحت مصر و کوزس ملک فارس و طنطوس و غیره گاهی آباد و گاهی خراب شده - بعضی از اینان بعمارنش پرداختند و بعضی در تزیینش انداختند * در روایت آمده از کعب رضی الله عنه که بنا کرد سلیمان علیه السلام بیت المقدس را بر بنیاد قدیم - چنانکه بنیاد کرد ابراهیم علیه السلام کعبه را بر بنیاد قدیم *

طول و عرض مسجد اقصی مندرجه کتاب انس الجلیل

طول از سور قبلی قریش محراب داود علیه السلام تا صدر رواق شمالی قریب باب اسباط [۶۶۰] ششصد و شصت در عمه بدراع الثمن - عرض از سور شرقی تا صدر رواق غربی [۴۰۶] چهار صد و ششش در عمه سدرجه - لوح سنگی بر بالای

نزدیکان متصل باب الاطم - لیکن باعث استداد زمان مسموح -
 طول [۷۵۴] بفت صد و پنجاه و چهار در عم - عرض [۴۵۵]
 چهار صد و پنجاه و پنج در عم - پیمایشی راقم الحروف ابو البرکات پیش
 الا - ام طرلا جنوبا و شمالا سوا سائبان ششصد و هفت قدم
 عرض شرقا و غربا چهار صد و چهل قدم *

نام ابواب مسجد اقصی

باب الاسباط - باب الحطه - باب الترف وهو باب الاثم - باب الغرانه -
 باب الشمع البصری - باب المطهره - باب القطارین - باب السلام - باب السلسله -
 باب المغاربه - باب الخدد *

اولا وقت بناء مسجد دروازه بود اکنون باب السلام و باب
 المطهره زاید کرده اند و الغرض وسعت مسجد اقصی چیزی
 زاید از دو چند حرم که معطر تصور باید کرد اجنه مسجد را مانند
 اکمه قلعه در ته زمین ساخته اند و سطح مسجد را با ارض بلند
 مساوی داشته اند - قباء در بیت المقدس جانب جنوب
 است چون جهت قبله روند و از نزدیکان فرود آیند شوکت عمارت
 سابقه در یابند - و همین است درجه تختانی یعنی بناء سالیسانی و
 اکنون این درجه یغراباد و افاده و بجای شکسته و ریخته از صوم
 و صلوات محض سطل و باعث تیرگی منقل - مزدوران کلید
 در دزد بیازند و زیر آن تیرگا و تسمینا بتکلف در بعض محفل داخل
 شوند و در بعض محراب تختانی که نورانی است چند رکعت

فوافل بخوانند و بس - و همین درجه تخمائی است که آنرا اقصاء
 قدیم گویند - اقصاء جدید مراد از درجه فوقانی است که بعد
 بعثت نبی کریم صلی الله علیه و سلم از دست این اوست مرحوم
 یکی بعد دیگری صرف بجانب قناب یعنی جنوب بر همان اساس
 و بنیان افزوده شد - نادر جهت جنوب مسجد دوم منزله گردید
 اکنون صلوات جمع در همین درجه فوقانی و صلوات پنجگانه در قبه
 الصخره و حوالی آن خوانند * و منیر و محراب کبیر در درجه فوقانی
 است عوام در عرف درجه فوقانی را مسجد اقصی اطلاق
 کنند و حالانکه اقصی تمام مسجد است درجه فوقانی باشد
 یا تخمائی صحیح باشد یا سائبان صحیح باشد یا ببردن - و بدین
 سبب صاحب الامس الجلیل مینگارند و فی حقیقه الحال ان الاقصی هو
 اسم لجمع المنجیل بما دار علیه السور و ذکر فیما سه طولاً و عرضاً * و هر
 غیر آبادی درجه تخمائی بر ضعف دین و عجز مسلمانان چه توان
 گفت - اهل اسلام درین بلد اقل القلیان نصاری و
 یهود در هر گذرگاد و شبیلی - بزم و پنجاده سپاهان ترک از
 عسکر سلطانی دیگر کسی از اهل بلد در اوقات خمسه نه آید -
 بس ازین قد درین مسجد چه می کشاید * مسجد مشرق که
 بعضی اعزاده این پنج برهان جناب سلطان عبدالمنجیل خان علیه الرحمة
 درین خصوص عرض داشت کردند و تا استنبول رفتند - حکم
 شد که بعد تمام حرم مدینه طیبه فکر کرده خواهد شد با اتفاق

و ثبت انما هم حرم من الجنة طيبة و اجل سلطان عليه الرحمة برابر اذناب -
 الفوسس که حیات مستعمار سلطان علیه الرحمة و فاکر و در نه
 زمین مخصوص هستی عالی میباشد که صد ابتیاء متبیر که را
 در ملک عرب عمارت نو ساخت * سلطان عبد العزیز خان ام
 مکه که از بدو جلوس در انتظام سلطنت مصر دست اند
 و ده باید که تاکی توجه خاص صرف این مقام می فرماید *

فصل دوازدهم

در حقیقت صخره شریف معروف به تخت رب العالمین و

فضایل آن با حدیث و تمثیل *

صخره شریف سنگی است نهایت کلان نه در زمین و نه
 آسمان حلق در میان هر دو مکان - در وسط مسجد اقصی
 با کمال تکمیل و شان - فضایل آن بیرون از هر بیان - روایت
 است از ابن عباس رضی الله عنه قال صخره بیت المقدس من صخور
 الجنة صخره بیت المقدس از صخور جنت است * روایت
 است از کعب رضی الله عنه ان الکعبة بازاء البيت الذي تحت
 الملكة لو وضعت منه احجار وقعت على احجار البيت - و ان الجنة على
 السماء الرابعة بميزان بيت المقدس لو وقع منها حجر وقع على الصخرة -
 و لذلك سميت دار سلم و دعيت الجنة دار السلام که به سخا ذی بیت
 المهور است که آن را هیچ می کنند ملائکه - اگر بپسندد از بیت المهور

سنگها بر صدر سنگهای کعبه - و جنت بر آسمان چهارم بمقابله
 بیت المقدس است اگر بیفتد شجره از جنت بر صدر شجره و آ
 بدین سبب شجره را دار علم گویند و جنت را دار السلام • روایت
 است از وهب رضی الله عنه قال یقول الله لصخرة بیت المقدس ذیك
 جنتی و نارها و فیک اجری و عقابی ثم طوبی لمن زارک خطاب فرود
 حق تعالی بظرف شجره بیت المقدس که در است جنت و دوزخ
 من و در است اجر من و عقاب من پس بهتری است برای
 آنکه ترا زیارت کند • روایت است از ابی هریره رضی الله عنه عن
 النبی صلی الله علیه و سلم الانهار کلها و السحاب و الوباح من تحت صخرة بیت
 المقدس چهار انهار در ابر و هوا از زیر شجره بیت المقدس است •
 روایت است از نوفل قال الصخرة ینخرج من تحتها اربعة انهار من
 الجنة حیجان و حیجان و القرات و النیل از زیر شجره چهار نهر جاری
 اند از انهار جنت حیجان ، و حیجان ، و قرات ، و نیل • روایت
 است از کعبه رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه و سلم - یقول الله
 لصخرة بیت المقدس انت عرشی الادی و من تحتک بسط الارض و فوقک
 و تحت السماء و تحتک جعلت کل ماء عذب ینزل علی رزق الجبل از رسول
 خدا صلی الله علیه و سلم که حق تعالی خطاب می فرماید بسوی شجره بیت
 المقدس که تو عرش زمین من هستی و از زیر تو گسترده زمین را و
 از فوق تو بلند گدوم آسمان را و از زیر تو نهادم چهار آب شیرین که بر جهان
 و کوه جاریست - از اینجا است که در عرف شجره را تحت رب العالمین

گویند * روایت است از ابی ادريس رضي الله عنه قال يقول الله
صخرة بيت المقدس مرحاة بيضاء كعرض السماء والارض ثم يضع عليها عرشه
ويضع ميزانه ويقضى بين عباده ويسمرون منها الى الجنة والدار خواهد گردانند
حق تعالی صخرهٔ بیت المقدس را مرجان سفید برابر عرض آسمان
و زمین پس خواهد نهاد بر آن عرش خود را و خواهد نهاد میزان را و
عدالت خواهد کرد در میان بندگان خود - و از همانجا راجعت و توزیع خواهند
گرفت و از اینجا ثابت است قیام قیامت * درین مقام روایت است
از کعب رضي الله عنه - احب الشام الى الله بيت المقدس واحب بيت المقدس
الى الله الصخرة و انطور حق تعالی را محبوب تر در ماک شام
بیت المقدس است و محبوب تر در میان بیت المقدس
حق تعالی را صخره و طور است * بدانکه در عهد اکثر انبیاء
پیشین علیهم السلام قبلهٔ نماز با طرف صخرهٔ بیت المقدس بود
و همین طرف نماز بخوانند چنانچه سرور کائنات صلی الله علیه و سلم نیز
تا شانزده ماه همین طرف نماز ادا فرمود و نماز می داشت و بار بار بسوی
آسمان می نگریدست که حکم تحویل قبله بجانب کعبه نافذ شود -
حق تعالی آرزوی محبوب خود بر آورد و در عین نماز این آیه نازل فرمود
فول و جهك شطرا المسجد الحرام - از آنروز قبله با طرف بیت الله گردید *
روایت کرد ابو المعالی از ابن شهاب الزهري رضي الله عنه لم يبعث الله
مبعثا اذم الي الدنيا نبيا الا جعل قبلته صخرة بيت المقدس واقدسها اليها
* و اینها سخن صلی الله علیه و سلم است و مشهور است بر آنکه شخصیت حق تعالی از اینها می

منوطاً آدم غنیمۃ السلام بطرف دنیا کدام نبی را بگردا برد قبلاً * او صخره
 بیت المقدس را و هر آنکه نماز گزارد بطرف آن سید الانبیا
 صلی الله علیه و سلم تا شانزده ماه * بدانکه صخره در وسط مسجد اقصی
 بمشابه بست که کعبه در صحن مسجد الحرام واقع و از بالای صحن
 مسجد ارتفاع پنجاه و یکدفع دارد و آن صحن از صحن زیرین هشت گز
 بلند است پس ارتفاع صخره از صحن زیرین پنجاه و هشت
 درع گردید و دایره صخره از باطن دو صد و بیست و چهار درع و از
 خارج دو صد و چهل درع است * صاحب انس الخلیل ذکر کرده است
 از ابو بکر ابن عربی قدام سره که او داخل شده بود تحت الصخره در
 زمانیکه هیچ اتصال نمی داشت از زمین - و نقل کرده است از او که
 روزی زنی حامله داخل شد زیر صخره هرگاه در وسط آن رسید و
 سنگی کلان مطابق دید چندان خوف بر او ظاهری نشد که ساقش شد
 همان وی - پس ازان روز گرد صخره دیوار مستدیر بنا کردند و
 مخفی نمودند آن امر را از چشم مردم * راقم الحروف عرض مباداد
 که اگر بغور لحاظ کنند آن امر هنوز مخفی نیست و مطابق بودن صخره
 مستدیر با فی تامل ظاهر - چرا که دیوار ضعیف و ضعیف که از اندون
 گزند صخره است چگونه این بار گران را خواهد برداشت دیوار پرده
 و جگالی است در نظر سهان بیان فالصخرة معلقة لا یمسکها الا الذي
 یمسک السماء ان یقع علی الارض * مخفی مباد که زایران زیر صخره در وقت
 میروند و اینجمله وقت غام استماده نماز می کنند و بدعا و استغفار می پردازند

پس آنچه تفصیل مقامات منبر که زیر صخره نیز همراه دیگر مقامات و اصل
مسجد اقصی در فصل چهاردهم خواهد آمد *

فصل نهم

در بنای قبه بر صخره شریف و بنای مسجد فوقانی *

هرگاه حاضر شد عهد الملك بن مروان در نیت المقدس قصد بنای درجه
ثانی بجانب قبله و بنای قبه بر صخره شریف نمود و مکانیپ استشاره
در جمیع بلاد و امصار فرستاد چون همه باسند کردند حکم فرمود تا
خراج هفت ساله مصر جمع آوردند - و ماسور گردانید برای انجام آن
ابو مقلام رجا بن حهواة بن جرول را که از اعلام علما و جمعاة عربین عهد
العزیز رضی الله عنه بود - و برای تأیید آن برگماشت یزید بن سلام مولای
خو را ایمن جمیع اهل را در بنای قبه و مسجد فوقانی مرمت کردند
و صد ازان بکار خویش نیادردند * و مسجد فوقانی بجانب قبله از
دیوار یک قریب همدیگر علیہ السلام است تا جامع المغاربه که اکنون
جامع المالکی گویند تیار کردند - و قبه صخره شریف یا کمال زیب
و زیانت آراستند پس رجا و یزید بعم بنای قبه و مسجد واپس
کردند نزد عهد الملك بن مروان یک کاهه دینار که باقی مانده بود از خرج
عهد الملك آن را در انعام بآنها بخشید ایمن راضی نشدند و عرض
داشتند که صرف این بقیه هم در امر خیر بهتر است - بالاخر حسب
اجازت عهد الملك در همان قبه و مسجد صرف کردند و مطالبه نداشتند

نمودند و بسیار تکلفات در آن افزوده اند و غرض این عمارت قبه الصخره
و مسجد فوقانی بر همان بنا، سابقه‌ای اولاً از دست عهد الملک و رسال
۷۳ هفتاد و سه هجری ظمی یافت - صاحب انس الجلیل تعداد
استخوانات و غیره نسبت تمامی مسجد حسب تفصیل ذیل مینگارد *
عمود رخام ششصد - سلاسل و قنادیل [۲۱۵] چهار صد و پانزده -
در خاص مسجد [۲۲۰] دو صد و سی - در قبه الصخره [۱۸۵]
یک صد و هشتاد و پنج - قنادیل [۵۰۰] پنجاه هزار بسرج کله فی لیلة
الجمعة و لیلة نصف رجب و شعبان و رمضان و اولتی العیدین * قیامت
سوی قبه الصخره [۱۵] پانزده * خدام مسجد [۳۱۰] سه صد
نفر این همه اهتمام قنادیل و غیره در همان زمانه بود که صاحب
انس الجلیلی در کتاب کرده و بکتاب خود نوشته *

تعداد استخوانات مسجد فوقانی بنا، عهد الملک از رخام مارون
[۲۲] سی و صد ستون - از احجار غالیة الثمن و دوازده ستون
قریب باب شرقی محازی محراب زکریا علیه السلام سهزده *
ستون طول مسجد درجه فوقانی سدهای جوف محراب
در دایره [۱۱۰] یک صد در عم - و عرض هفتاد و هفت در عم - و محراب که در
که در صدر این مسجد قریب منبر واقع است همانجا بزمان سابق
حضرت داؤد علیه السلام نماز می خواند * و چون فتح کرد بیت المقدس
را هیلنا عمر خطاب رضی الله عنه پس هر روز فتح آنها را لعنه نا داؤد علیه
السلام در همان مقام نماز خواند از آن روز به محراب صدر مشهور شد -

ورثه در اعلان آن مقام سید داؤد علیه السلام است - در این محفل و تیسر
 در محراب داؤد علیه السلام که زیر صخره است [سوره ص خواندن
 ثواب و اجر عظیم دارد که در آن سوره ذکر اوست علیه السلام -
 و این سنت عمر خطاب رضی الله عنه است * و اندرون این مسجد
 بجانب مشرق مجسمی و مجلسی است نامش جامع عمر بسبب
 آنکه ساخت آنرا عمر خطاب رضی الله عنه بزمان فتح بیست المقدس
 بعد مسجد فوقانی بران بنا کردند * و هرگاه قبله بر صخره بنا کردند
 در حوالی قبله صحن مسجد را مرتفع کردند - طول آن دو صد و سی
 و پنج در عم و عرض یک صد و سی و نه در عم * و بعد عبد المانک ملک
 صلاح الدین و فلاوون و غیره در تجدید و ترمیم قبله و غیره پرداخت
 چنانچه از کتابه مرقومه ذیل ظاهر فقط

کتابه محراب مسجد فوقانی

بسم الله الرحمن الرحيم امر بتجدید هذه المحراب المقدس وهذا المسجد
 الاقصی الذي هو على التفویض موسى عبد الله و وليه يوسف بن ابوت
 ابو المظفر الملك الناصر صلاح الدين بن ابي المظفر عند ما فتحه الله على يديه في
 شهر رجب سنة ۵۸۳ ثلاث و ثمانين و خمسمائة و هو يسأل الله ان لا يبارك
 ما بعد خوانده نمی شود [

کتابه در گنبد مسجد فوقانی

بسم الله الرحمن الرحيم جدد هذه القبلة المباركة في ايام موليدنا السلطان الملك
 الناصر العالم العادل المجاهد المرابط المشاهر المولود المتصور قاهر الخوارج والمتهمد

وحي العدل في العالمين سلطان الاسلام محمد بن سلطان الشهيد الملك المنصور
قلاؤن الصالحى نغمه الله برحمته في شهر رنة ثمان وعشرين وسبع مائة *

کتابه د رگنبد صحفه مقدسه

بسم الله الرحمن الرحيم ابو بتجدید تذهیب هذه القبة الشريفة الملك
الناصر ناصر الدين والذلي يوسف بن ابوب سلطان الاسلام محمد ابن
السلطان الشهيد الملك المنصور قلاؤن نغمه الله برحمته و ذلك في شهر
سنة سبع مائة و ثمان وعشرين *

از معمولات است که بتاریخ نهم ذی الحجه که روز صبح در وقت
عرفانست منحره شریف را میروند و آن خاک را تبرک
می کنند - شکر خدایک عابز را نیز قدر می خاک رویده آن
روز از مزور بدست آمد * بدانکه برای دخول و خروج زیر منحره
بانی ساخته اند پس هرگاه زیر منحره دروند پا در مسجد داخل شوند
تا مستحب است که این دعا علیه السلام بخوانند اللهم
بنورک اهتدایت و بفضلک استغفرک و بنعمتک اصحت و امسیت ذنوبی
بین یدیک استغفرک و اتوب الیک یا حنان یا منان *

فصل چهاردهم

در تفصیل مقامات متبرکه داخل مسجد اقصی و منخره شریف

مع وجه تسمیه هر یکی بقدر دریاقت راغم الحروف *

باب الحفظ بانی است از ابواب مسجد اقصی در آیه شریفه

و اذ قلنا ادخلوا هذه القرية فمما اورد از قریه بیت المقدس است *
 و ادخلوا الباب سجدا مراد همین باب بیت المقدس است *
 و قولوا حطة نغفر لكم خطاياکم مراد از ازاره بقولای لا اله الا الله
 است چرا که کلمه توحید حط ذنوب میکند - حیث که بنی اسرائیل
 بجا آوردی حکم حق تعالی نکردند و داخل درین باب شدند
 و رتبه خطایابی ایشان معاف می شد - مضافا در تفاسیر موجود *
 هر که دو رکعت نماز در باب حطه بخواند و استغفار کند و توبه
 از گناهای نماید عامل کند ثواب بعد از آنقدر قوم بنی اسرائیل
 که آنها را حکم شده بود ادخلوا الباب سجدا *

قبة سيدنا سليمان عليه السلام چون سليمان عليه السلام از بنا
 مسجد فراغت فرموده قربان نمود درین محفل و شمامه نماز از
 آسمان آمد و قربان را ر بود - و همین بود دلیل قبولت عین در
 عهد انبیاء پیشین علیهم السلام *

قبة الارواح گویند که اجتماع ارواح طیبه درین محفل می شود و نیز
 در بدر الارواح زیر صخره *

قبة الخضر این مقام مخصوصه علیه السلام است بعضی مشنیده
 اند آواز نماز و دعا خضر علیه السلام درین محفل - و از تفسیر صاحب
 انس الجیل مستفاد است که مقام خضر قبة بنج بنج است که
 ذکرش می آید *

قبة بنج بنج چون بخت نصر بزیارت المقدسین تساهل آورد از بی دینی

صنجره را یک جانب باره کرد و بهای تخت خود برد عهد زوز نه گذشت
 بود که آن باره بر هوا باز آمد و درین محل نزول فرمود - مردمان قرآن
 و شادان شدند و بر زبان آوردند که هیچ بیج و این کلر تهنیت
 و سرور است در زبان عرب *

قبه المعراج مشهور است که دعا در اینجا مستجاب است -
 باید که درین مقام در نماز و دعا استغفار جوید بلیغ بکار برد - این
 قبر موجود حال را ابو عمر عثمان بن علی بن عبد الله رنجیبی
 مولی بیت المقدس مجدد کرد در سنه [۵۹۷] با نهد و نو
 و هفت بحریه *

قبه النبی صلی الله علیه و سلم روایت است از کعب رضی الله عنه
 که سرور کائنات صلی الله علیه و سلم در شب معراج چون به
 بیت المقدس رسید براق را در موقفیکه موقوف انبیاء
 پیشین علیهم السلام بود مربوط ساخت - و داخل شد از
 باب الانبیاء و جبرئیل علیه السلام پیش می رفت تا آنکه قریب
 صنجره رسید پس آذان داد جبرئیل علیه السلام فرود آمدند
 ملائکه از آسمان و برانگیخت حق تعالی از قدرت کلام خویش
 جمله انبیاء و پیشین را و صفت نماز آراسته شد و تکبیر گفت
 جبرئیل علیه السلام و امامت فرمود سید العرب و العجم نبی الحرمین
 امام القبلتین ابوالقاسم سیدنا محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم پس
 نماز خواند با صدوف ملائکه و مرسلین - پس دانسته شد برای

حضرت علی الله علیه وسلم نرو بانی نقرئی و از ان نرد بان عروج
 فرمود سید الکوین صلی الله علیه وسلم و سید ماجبر بیان علیه السلام
 بسوی آسمان * باید دانست که آن زمین مقام است که به
 قبة النبی صلی الله علیه وسلم نامزد است - و این مقام در سرعت
 اجابت قادر بر حاجت دینی باشد یا دنیوی مشهور است *
 ز ایران را درین مقام مزید جود در نماز و استغفار و دعا هر قدر
 ممکن باشد باید کرد - غالباً باعث قرب و اتصال این مقام
 قبة منکره بالا را قبة المعراج گفته باشند و در نه محال صلوات و معراج
 همین قبة النبی صلی الله علیه وسلم است - و بهتر است که در
 قبة المعراج و قبة النبی صلی الله علیه وسلم این دطلب بخواند اللهم
 اقسم لنا من خشیتک ما تحول به بیننا و بین معاصیک و من طاعتک
 ما تبلغنا به جنتک و من الیقین ما نؤمن به علینا مصائب الدنیا و الآخرة
 اللهم متعنا ببصارتنا و قوتنا ما احببتنا و جعله الوارث منا و اجعل نارنا
 طی من ظلمنا و انصرنا طی من اذانا * و لا تجعل مصیبتنا فی الدنیا
 و لا تجعل الدنیا اکبرهما و لا مبلغ علمنا و لا تسلط علینا بفتوینا من
 لا یرحمنا *

قبة السلسلة این بود محکمه عین نا داؤد علیه السلام درین محال زنجیری
 بود از نور منلق از آسمان تا زمین وقت انفصال خصوصاً
 ریشی اسرائیل که مرکب شد و شهادت زور و فیر بودند حضرت
 داؤد علیه السلام حکم میفرمود که این زنجیر را از دست بگیرند - کشیدند

بود دعوی خود صادق می بود فوراً سرنگرفت و کاذب را دست بان
 نمبر سید زنجبیر خود بخود مرتفع میشد * اتفاقاً کسی صد دینار
 پیشش مردی یهودی امانت نهاد بعد چند روز مالک چون دینار
 طلب کرد یهودی ادای آن بیان کرد آنرا معامه نزد داؤد علیه السلام
 رفت - غرض بعد الی و اللہ بما چون نوبت بسلسله رسید
 یهودی دینار را در عصای مخوف مخفی داشته عصاب دست مالک
 دینار داد و قریب سلسله رفت و طاعت کرد که مال مالک آن
 رسانیده ام این بگفت و سلسله را بدست گرفت و پیشش مالک
 دینار آید و عصای خود باز ستاد و بدینجهت مال غیر غصب کرد بعد
 ازان مالک دینار پیشش سلسله آمد و طاعت کرد مال خود بنا فدا ام
 و سلسله را بگرفت - چون کاذب هم سلسله را سحیله گرفت
 ازان روز باعث خیرت دفتن مردمان زنجبیر مرتفع شد * والله در الشاعره *
 مضمی النوحی و ماتت العلاء * واد ترفع الجود مع السلسله .

و در شب معراج سرور کائنات صلی الله علیه و سلم حوران جنت در
 همین قبه السلسله مجتمع بودند * جامع المالکی این را جامع المغاربه
 نیز گویند سابقاً امام مذہب مالکی در اینجا نماز میخواند بعد مغاربه
 درین جامع می شدند * قبور اولاد میدنا هارون علیه السلام گویند که
 این دو برادر بودند و خدمت سراج مسجد اقصی میداشتند و
 چشم پیر از روغن و نوری از آسمان بوقت معین نازل میشد
 آنها ازان زینت و ازان نور قنادپان مسجدی بودند - روزی

هر دو برادر غایب بودند و آن نور بوقت همین رسید و ایشانرا
 ندید و صعود کرد بر آسمان پس از آن آمد در مسجد برادر اکبر
 فرمود که امروز توقف در مسجد گزید خوف میکنم از عتاب
 باری بالاخر ازین نار دنیا قدم بلیها افروختند بعد ساعتی نار آسمانی
 برق دار با کمال هیبت و جلالت آمد و اینها را بسوخت بعد وقوع
 این واقع نبی آن زمان بحضرت حق تعالی عرض کرد یارب
 احدیقت ولدی مارزن و فد علمت مکانها پس وحی آمد هكذا
 اعدل بالریای اذ اعصونی فکیف باعدائی * امی یاران هو مشمنند
 پیدار باشند و مغرور نشود این درگاه نکتہ نواز است نکند
 گهر هم هست فرض همانجا آن بزرگواران مدفون شدند و پاداش
 تقصیر ساعتی در دنیا یافتند و در خالد برین شتافتند *
 واضح باد که مسجد بیت المقدس طاعتی عظیم است
 و اکنون مشمول است که زائران شمع و زیارت بقدر استطاعت
 نذر مسجد میکنند و برین روایتی است از ام المؤمنین سیدتنا
 صیومه رضی الله عنها قالت قلت یارسول الله افتتانی بیت المقدس قال ایتوه
 فصلواتیه قالت کیف والاروم اذ ذک فیه قال فان لم تعطوهو بعثوا
 بزیت یسرج فی فنادیله * صیومه رضی الله عنها میفرماید که
 هر سیدم از رسول الله صلی الله علیه و سلم که ارشاد فرمودند
 ما را از فضیلت بیت المقدس - فرمود بیاید در بیت المقدس
 و نماز خوانید آنجا عرض کرد چگونه یارسول الله که در انبار و میان مانع

اند * فرمود اگر امکان نباشد بس بفرمایند چیزی روغن نا
 افروخته شود در قنادیل بیت المقدس * عمود الخلیل چه عجب
 که باعث شریف داشتن آن مقام بکدام وقت منسوب بحضرت
 ابراهیم علیه السلام گردید * عمود النبی صلی الله علیه و سلم و چه
 معلوم نشد بین العمودین دو سطلون ملحق است و فربه در میان
 آن قلیان - زایران چون میروند از آن فربه تیسرا و نهم کار می آیند
 و پیش معلوم نشد - گویند که در الحرام از آن فربه نماند براند
 والله اعلم بالصواب * انزل قدم عیسی علیه السلام اندر محراب است -
 و از معجزات آنحضرت باب البجته * قبه المنوره چهار باب
 است باب الشامی و هو باب العنه * باب الشرقی * باب الغربی *
 باب القبلی * روایت است از ابراهیم ابن مهراک که نخیله
 زنی بود که صحرا بیت المقدس را نمی گذاشت دایما ملازم صحرا
 بود روزی مردی از باب الشامی در گذاشت که بر او آثار سفر
 هویدا بود - نخیله معلوم کرد که خضوع علیه السلام است و آن نماز
 خواند دو رکعت یا چهار رکعت - نخیله دست در دامنش زد و
 گفت اینجا چه کردی ادکیسن ما را خبر ده فرمود که من مردی ام
 یمن اراده بیت المقدس کردم و پیشش و هم ابن متهبه
 رضی الله عنه رفتم او ما را فرمود که چون در بیت المقدس
 پیشش صحرا روی داخل شوی از باب شامی - بس چند قدم
 جانب قبله نه تا بطرف یمن دلسار تو اسطوانات پیش

آید - نظر کن در میان دو سطون که اینجا سنگی است سیاه
 آن سنگ بر دروازه ایست از ابواب جنت - نماز بخوان
 بران سنگ دعا خواه دران محل که سنجاب است * واضح باد
 که همین سنگ را بلاطة الجنة مذکور شد حقیقت اد در حال
 باب الشامی اثر قدم صیدنا ادریس علیه السلام از معجزات
 آن حضرت است بر بالای صخره * و سیوای آن آثار قدم
 ده انبیا بر بالای صخره در یک مقام موجود است * قبة الانبیا
 اکثر انبیا علیهم السلام درین محل نماز خوانده اند * اثر اصابع ملائكة
 بر بالای صخره است - گویند که در شب معراج چون سرور عالم
 صلی الله علیه و سلم از صخره عروج اطرف آسمان فرمود صخره
 خواست که در رکاب سعادت باب سید الانبیا صلی الله علیه
 و سلم بالا رود ملائکه چنگل در صخره زدند * اثر قدم النبی صلی الله علیه
 و سلم از معجزات است بر بالای صخره - و اگر چه این معجزه
 در دیگر بلاد و امصار هم مشهور شده و اکثری نقاش میکنند - و
 در بلاد سینا و ابراهیم علیه السلام نیز از نظر عاجز گذشت که ذکرش
 متعاقب خواهد آمد - لیکن بر صخره اصبح و اسند است *
 لسان الصخره در شب معراج صخره ازین محل نطق آمد و صاوت
 و سلام فرستاد بر سید الکونین صلی الله علیه و سلم و همین جا
 است دروازه که دران تحت صخره داخل میشوند * صحراب داؤد
 علیه السلام محال صاوت آن حضرت زیر صخره صحراب صاوت آن

علیه السلام زبیر صحیح است آن حضرت اینجا نماز میخواند و عبادت
 میفرمود * اثر عمامه شقیع المذنبین صلی الله علیه وسلم در شب معراج
 حضرت صبی الله علیه وسلم زبیر صحیحه رفت و برای نماز قائم شد عمامه
 مقدس با صحیحه مس شد پس چون سوم بگذاخت *
 محراب الخضر علیه السلام محل عبادت حضرت زبیر صحیحه * مسجد
 جبرئیل علیه السلام تحت الصخره بنشست جبرئیل علیه السلام
 و اینجا نشان شد * محل اخیلیل علیه السلام مکان جلاوس
 آنحضرت است تحت الصخره * محراب داؤد علیه السلام محل
 عبادت آن حضرت تحت الصخره * محل معراج النبی
 صلی الله علیه وسلم صلی الله علیه وسلم من تحت الصخره و برداشت قوی
 من قبة النبی صلی الله علیه وسلم که ذکرش با آن رفت * بعد از روح
 تحت الصخره محل اجتماع ارواح طیب برداشت قوی - و برداشت
 ضعیف در قبة الارواح که ذکرش با آن گذشت * محراب سیدنا علی
 مرتضی کرم الله وجهه محل عبادت آن حضرت است * محل براق
 یعنی جانشینک در شب معراج حضرت صلی الله علیه وسلم براق را مربوط
 فرمود و خود با نفس نفیس با حضرت جبرئیل علیه السلام داخل مسجد
 گردید - ذکرش در احوال قبة النبی صلی الله علیه وسلم در گذشت -
 آن محل خارج مسجد است و راه آن از راه مسجد - صاحب
 مفتاح اینجا شخصی است غیر از مزدور * محراب معاویه رضی الله عنه
 محل نماز اوست * محراب الشافعی علیه الرحمة یعنی محل جماعت

شوافع در زمان سابق * محراب الاربعین. جہاں کسان از بزرگان سابق درین محفل نماز خوانده اند * منبر سیدنا عمر خطاب رضی اللہ عنہ منبر بزمان فتح بیت المقدس ساخت * مسجد سیدنا عمر خطاب رضی اللہ عنہ مجلسی و مجمعی بود ساعت آنرا عمر خطاب رضی اللہ عنہ بزمان فتح خود - ذکرش بیشتر نیز در گذشت * قبۃ داؤد علیہ السلام در حقیقت این قبۃ قریب مہدی عیسی علیہ السلام منہدم است خار و خس در اینجا بسیار و فضیلت آن بی شمار - غرض بتکلیف اینجا نماز خواندم * محراب یحیی و زکریا علیہما السلام مذکور است این محراب در آیه کریمہ ' فنادتہ الملائکۃ و هو قائم یصلی فی المحراب ان اللہ یشرک بیحیی الخ مفصلاً در تفاسیر مطالع باد - غرض محفل استجابت دعاست * باب الخضر علیہ السلام محفل و قول دوست * مہدی عیسی علیہ السلام است * محراب مریم علیہا السلام و معبد او اینجا عبادت مہتمم بود و رزق آن از غیب میرسد چنانچہ مذکور است در آیه کریمہ کلمہ ادخل علیہ زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا فالتت هو من عند اللہ ان اللہ یرزق من یشاء بغیر حساب * درین محفل سورہ مریم خواندن و دعا خواستن و توبہ و استغفار کردن و حمد بلیغ در طاعت بردن اثری تمام دارد * محل الصراط خارج از مسجد میدانی است و سبع یعنی ما بین مسجد و طور زیبا * روایت است از ابان الغفاری رضی اللہ عنہ - قال قلت یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اخبرنا عن بیعہ المقدس قال ارض المحشر

والمبشرا بآيته فصلوا فيه گفت که پرسیدم یا رسول الله صلی الله علیه و سلم ارشاد فرمایند که حال بیت المقدس فرمود که او هست زمین قیامت چون بیانی اینجا پس نماز بخوان -
 غرض قیام قیامت درین محفل شود بمصراط درین مقام قائم گردد و وادی جهنم در همان میدان باشد * روایت است از عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما - قال ان السور الذي ذكره الله تعالى في القرآن فضرب بيتهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة هو المسجل و ظاهره من قبله العذاب هو وادی جهنم دیواریکه ذکر فرموده است حق تعالی در قرآن شریف فضرب بیتهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة مراد ازان مستحب است یعنی اندرون رحمت است و ظاهره من قبله العذاب مراد ازان وادی جهنم است که بیرون مستحب است - کفار و منافقین طاقت گذر بر مصراط نخواهند داشت. بناجی در وادی جهنم خواهند افتاد و سوسنین و صلحا از عرصه گذر کرده در باطن که مقام رحمت است خواهند رسید * باب التوبة قریب محراب مریم علیها السلام است از بنی اسرائیل چون کسی معصیتی میکرد یک نشان بر پیشانی او فوراً پیدا میشد و نیز بر مکان و دروازه او مرقوم می شود که فلان کس فلان گناه در فلان وقت کرد مردمان از او گناره میکردند و دخل نمیدادند - تا آنکه بر باب توبه میرفت و استغفار و التماس در حضرت حق تعالی میکرد چون توبه او قبول میشد و اغ از پیشانی او و عرفه از در دیوارش جدا میشد - الکامال این

محل استنجابت دعا است * باب الرحمة محل استنجابت
 دعا است * کرسی سلیمان علیه السلام اینجا بود. محسوس و دیوان خاص
 سلیمان علیه السلام بانصد و وزرا و انرا درین محل حاضر می مانند
 و این است محل وفات سلیمان علیه السلام که بعد دقات
 درین محل تا صد سال هر جوئی قائم ماند - قصه آن منصلا
 در تفهیم آیر فلما قضینا علیه الموت ما دلیم علی مونة الادابة
 الا راض تا کل منساته ما حظه باد اکنون قبر هم اینجا است -
 و اگر چه مردمان اختلاف دارند در قبر سلیمان علیه السلام بعضی
 دفن آن قریب میدان داؤد علیه السلام و بعضی قریب صخره
 گفته اند لیکن روایت این محل قوت دارد * بیدالورقة اکنون
 اندرون انصامی جدید یعنی محل فوقانی که ذکرش بالا گذشت
 واقع و این چاه میدان سلیمان علیه السلام است صاحب انس الجلیل در
 احوال آن از عطیه ابن قیس رقی الله عنه بچند طور روایت نقل کرده
 تحریر آن درین محل موجب تطویل کلام - خلاصه این قدر است که
 شخص مسی شریک ابن حبابه [۱] ا بزمان خلافت میدان عمر خطاب
 رضی الله عنه در بیت المقدس رفت روزی بضرورت خود آب
 از آن چاه میکشید رسنش منقطع شد دو در چاه افتاد شریک
 برای جستن دو در چاه داخل شد یکایک نظرش بر درختی افتاد
 برگی از آن درخت بر گرفت و از چاه بر آمد و آن برگ از اشجار

[۱] در فتوح الشام از سی صاحب این قصه را مفید مس بن جابن نمیری نوشته

دنیا نبود و برداشت دیگر اولاً در این چاه یکدروازه دید و از دروازه باغی
 نظر آمد پس رفت در میان باغ و گرفت برگس از درختی و از چاه
 برآمد چون شنید عمر خطاب رضی الله عنه پرسن فرمود که بر بینه اگر
 آن برگ خشک نشود نایمشک برگ جنت است چنانچه
 دیدند که هرگز خشک نمی شود - امیر المؤمنین رضی الله عنه
 فرمود که صدق النبی صلی الله علیه و سلم من شئبه بودم ازو که شخصی
 از امت ما خواهد رسید در جنت قبل موت خود شریک ابن حماصه
 بیشک همان شخص است * و در روایتی مذکور است که
 امیر المؤمنین رضی الله عنه آن برگ را ازو برگرفت - و برداشت
 دیگر ورق را شریک پیش خود در اوراق مصحف نگاه میداشت و
 با خود در میان کفن برد - - در روایتی مذکور است که چون شریک در
 چاه رفت شخصی ظاهر شد و دستش برگرفت و تا شبح رسانید *
 و در روایتی گرفته شده برگ نوشته است و الله اعلم بالصواب
 و آن برگ عربی بود مثل کف ادم علیه السلام الحمد لله که
 واقم الحروف آب این چاه خوب نوشید و قدری همراه نیز آورده
 است آب این چاه چون آینه دل نیک بخندان از کدورت پاک
 و مانند نسیم خوشین لبان شیرین و شکر ناک - از اثر
 پروشش خورشید خادری نرزان و از رشک هدایتش
 نیشکر مصری گره گره پیمان *

* منور همچو چشم نیر بیدان مصفا چون دل خلوت نشینان *

• رسیده عمق آن تا گذر ماهی نموده همچو عینک در حیداهی •

• بی کسب لطافت آب حیوان در گذشته چو درک از ته نشینان •

حدید داؤدی دو چهارتاست از آهن گویند که از همان آهن است که
از معنزه حضرت داؤد علیه السلام نرم شده بود سنجق هیدنا عمر خطاب
رضی الله عنه یعنی بیرون علم اوست - و آنچه در قبه المعنزه نقل
سیدنا حمزه رضی الله عنه - در سیف سیدنا علی کرم الله
وجه - درین براق نبوی صلی الله علیه و سلم - و سیران اعمال
داشته اند - و حوضی را که در صحن مابین قبه المعنزه و اقصای
جدید یعنی منزل فوقانی واقع است و آنرا کوثر نام نمود این همه از
تغایرات و اختراعات است اصلیت آن از کتب تا ایندم
معلوم عاجز شد •

فصل پانزدهم

در بیان مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی و زیارت هیدنا
داؤد علیه السلام و هیدنا سلیمان و هیدنا عزیر و هیدنا مریم علیهم السلام
و بعضی صحابه و روان الله علیهم - و اکثر اولیاء الله علیهم الرحمة
- در هب نرفتن بر مزار هیدنا موسی علیه السلام •

تفصیل مقامات متبرکه بیرون مسجد اقصی

جبل طور زینا فضیلتش بسیار آمده - روایت است
از کعب رضی الله عنه احب الشام الی الله بیت المقدس

و احبنا لقدس الی انک تعالی الصخره و الطور * پسندیدند
 ملک شام حق تعالی را بیت المقدس است و پسندیدند
 در قدس صخره و طور است * و این طور زیبا است نه طور
 سینا - بلکه طورهینه هنگام مراجعت از قدس قریب بحر
 شور از نظر عابر گشته انجا قریب است کناره دریا ظروف سنگی
 اکثر انجا فروشند شخصی از برابیان عابر از گشتی فرود آمده
 استیانی سنگی از انجا تبرکاً خرید کرد - ساهره روایت است
 از سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه و این مسلم و حذیفه رضی الله
 عنهم - قال کنا جلوساً ذات یوم عند رسول الله صلی الله علیه وسلم
 قال یحشر الناس الحدیث و ینبیه فینتهون الی ارض یقال له ساهره
 و هی ناحیه بیت المقدس نسع الناس و یحملهم باذن الله تعالی
 فرمود که بودم روزی بتالمس بحضور رسول مقبول صلی الله علیه و
 سلم فرمود که برانگینجه خواهد شد خلق تا آخر حدیث - و در آن فرمود
 که خواهید رسید بر زمینیکه نام او ساهره است و آن ناحیه بیت المقدس
 است و کنایت خواهد کرد برای گنجایش برداشتن مخلوقات
 تمام روی زمین قال الله تعالی فاذا هم بالساهره هل انک حدیث
 صومی * ساهره قریب است از طور زیبا و اینها امر است از
 آثار ام المومنین صفیه رضی الله عنها که او شریف آورده در بیت
 المقدس و بر طور زیبا رفت و تا دیر معروض بود تا بود مصعد سیدنا
 صومی علیه السلام بر طور زیبا است و اکنون در انتقام گنبدی ساخته

بعد از همین محال سیدنا موسی علیه السلام بر پنج پیمارم تشریف فرما شد *
 همین سالوان بنام عامه یک گروه یا چیز می گم از بیت المقدس - روایت
 است از حال رضی الله عنه قال زوم و عهد سالوان انذی بهت المقدس
 عین من عین الحجة زوم و چشمه سالوان که در بیت المقدس
 است چشمه است از چشم های جنت * بپرسیدنا ایوب
 علیه السلام بالتحقیق وجه التسمیه آن معلوم نشود - هر چند رفتیم
 و زیارت کردیم و آبش نوشیدیم لیکن کسی از کیفیت آن
 خبر نداد - این قدر یاد می آید که چیزی ذکر آن در کتاب الجلیل
 است باعث عجاظت مالک از ملاحظه آن منور ماندم *
 قبور بزرگان در بیت المقدس نبی الله صیدنا دارد علیه السلام
 اندر قلعه هر جمع وقت صبح زیارت و اجتماع ناس در آنجا معمول است
 نبی الله صیدنا داود علیه السلام نزد معلم الکوسی و قبل عند الصخرة تحت
 بلاطة النهر - و قبل عند صیدنا داود علیه السلام * صیدنا صوم علیه السلام
 خارج از مور القلعه و قریب بلد زید دامن کوه - مقبره گفته است
 و کلبه مقبره در دست نصاری صبح و شام دروازه بکشاید - قبر
 شریف در تحت واقع است و مقام تاریک است - نصاری
 اندرون مقبره چند شمع ان کلان و دیگر اسباب روشنی بطور
 خود فراهم کرده اند - اهل اسلام برای زیارت میروند و این
 نصاری قوم فرنگ نیست بلکه رومی * گویند نبی الله عزیز علیه
 اسلام بنام عامه یک گروه قصه زیستن آن حضرت بعد صد سال

در قرآن مجید موجود - عاجز چون در آن محفل رسید بر سینه که آن
مقام لجا است که ذکرش در قرآن مجید آمده فانظر الی طعانهک
و شرایک لم یثسنة والنظر الی حمارک خادمان در مقامی نشان
دادند دیدم که آن غاریست نهایت ننگ و نار یک آخر چند
شمع ای موی فروتیم و در آن غار خزیمیم و زیارت آن مقام
کردیم * سیدنا سلمان فارسی رضی الله عنه من الصحابة برین طور زیارت
و بقولی در ذکرش خواهد آمد * سیدنا ابو حمیده رضی الله عنه
من الصحابة والاشرة المشورة * محمد علی رضی الله عنه گویند که طایق رسول الله
صلی الله علیه و سلم بود - و گویند که علمدار بود * شیخ عثمان
علیه الرحمة من الازلیاء * رابعة العدویة علیها الرحمة غیر رابعة بصری
و این را هم شانی است بس عالی * رخیل بن سلیمان بن داؤد
علیه السلام * ابو عبد الله القرظی علیه الرحمة * شیخ احمد دجانی *
شیخ وجد و علیه الرحمة * شیخ وجدنا علیه الرحمة *

پوشیده مبارک که قبر سیدنا موسی علیه السلام از بیت المقدس هفت
کرده است لیکن دقیق که عاجز در بیت المقدس رسید راه پر خطر بود -
بلکه در همان زمان دو کس را کشته بودند و اکثر امن طریق ندارد روز
و غیره ممانعت کردند بدین سبب در آن محفل نرفتم - ساکنان شهر در
هر سال جمیعت تمام بشرب عرس آنحضرت میروند و
چند روز در آنجا اقامت می ورزند و بیچاره مساکین همیشه میروند
احدی آنها را مزاحم نیست * واضح باد که بیت المقدس را فضلی

است عظیم و مناسبت پسندیده رب کریم یک نماز را
 بواب پنجاه نماز و بروایتی است هزار و بروایتی هشتاد و پنج هزار
 اینها است - و هر که بمسجد در بیت المقدس یا اطراف آن
 گویا که مرد بر آسمان این رتبه مخصوص در اینجا است - این است
 که جهاد انهار شیرین در دنیا از تحت صخره جاری - این است که
 حق تعالی مبارک فرمود اطراف و اکناف را بنه قرآنی -
 این است که در روز قیامت مقام خود خواهد گردانید حق سبحانه
 تعالی - این است که خدای برتر کلام کرد اینجا با موسی علیه السلام -
 این است مکان نزول فوکه گرما در سرما و سرما در گرما برای
 مروه بنت هارون - این است جای خروج و نزول عیسی علیه السلام
 از آسمان بر زمین و از زمین بر آسمان - این است مطرح
 نزول مایه بر عیسی علیه السلام این مریم - این است منزلی از منازل
 معراج نبی صلی الله علیه و سلم - این است محفوظ از دخل یا خروج
 مایه - این است مصون و مأمون از رفس و خروج - این است
 مرتبط براق جنت و دنیا - این است کثرت گاو زکریا بولادت
 یحیی - این است معبد و مرفق اکثر انبیاء پیشین - این است مخزن
 هزاران برکات ادلین و آخرین - این است دارالبحریت هیه نا
 خلیل - این است منفیج عبور اسرافیل - این است محشر
 و منشر ظالم - این است منظر نامه اعمال بنی آدم - این است محفل
 میزان اعمال - این است حضرت داؤد علیه السلام را مقام "المنجی"

طیروز و جبال - اینجا است که فرمود زکریا کلمات مریم - اینجا است
 جهاد زخم جگر را مریم - اینجا است منظوق آیه و واعدنا کم
 جانب الطور الایمن اینجا است کسب یاری صحابه و اولیاد را نشیمن -
 اینجا است بسی مقامات منبر که - اینجا است روضه از ریاض
 جنت * غرض اینجا است چندین زیارات و آثار - بیرون از اعظم
 تحریک و حد ششم *

فصل شانزدهم

در آداب زیارت و قنوت بیت المقدس *

در قبه صخره داخل شود از باب شامی در بناط سودا اعداد دو رکعت
 تحمید المسبح گزارد و مصروف دعا و استغفار گردد - بعد از آن برو
 زیر صخره و در هر ایک مقامات منبر که اینجا دو رکعت نفل بخواند
 و جهد بایغ در دعا و استغفار ببرد - پس رو نهد بطرف مسجد فوقانی
 بعد از فراغ زیارات اینجا قصد منزل تخمانی حاذو و در هر یک محراب
 اینجا و محراب مسجد فوقانی و ظاهر الجماع که تعداد چهار محراب موجوده
 این زمان غالباً متبادر از اینجا باشد دو رکعت نماز خواند - و اگر در
 یکروز نتواند بچند روز تمام کند که هر یک را افضیاتی است هر گانه و
 و مصلا عباد دگانه انبیا و اولیاء هر زمان بوده است - و الزام نماز
 پنج گانه در مسجد و صوم باعد مکات که کم از سه روز نباشد نماید -
 و چندانکه است دست و پد بسنها کین و مستحقین بخشند - و تسبیح

مسجد نیز از ضروریات شمارد یعنی روغن با شمع که در بازار
 بکثرت میسر است خرید کرده بخادم مسجد سپارد - و بتعظیم
 پیشش آید با ساکنان و خادمان بیت المقدس و باجارت
 مهمتم کدام روز اذان دهد در مسجد تا داخل شود در زمره مؤذنین
 بیت المقدس - و چون رخصت شود از اینجا بقصد مکه معظمه
 باید که از اینجا احرام بنده یعنی از بیت المقدس زیر صخره اگر
 قادر باشد بر تحفظ از جنایات که احادیث در فضایل آن بیشتر
 بیشتر منقول شده است مزدور و خادم و مهمتم مسجد شریف
 شخصی از مسی شیخ محمد دلف قیوم باشی عم المقدس و
 پسران او شان عبد الغادر و حسن و عمر و عبدالله و ولد مغیر
 و آرد است - اکنون آبادی و اهتمام مسجد صرف متعلق از
 ذات اینها است که جماعه بدر و پسر لیل و نهار در خدمت مسجد
 شریف مصروف - و شیخ موصوف مردی و جماعه و نیکو کار و نیز
 خلیق و اوشیار *

فصل هفتم

در بعضی اعجوبه بیت المقدس *

نقل است که علیمان علیه السلام در زیر زمین بر که ساخته
 بود و بر روی آن فرشی مکتف گشته بود و خود با نفس نفیس
 و اراکین سلطنت بر آن نشسته - کسیکه بر سر باطل می بود

بمسجد آنکه قدم نهی و در آن آب غرق می شد و آنکه راه حق
می پیمود جان سلامت می بود * نقل است که ضحاک بن
قیس در بیت المقدس آتشی افروخته بود کثیر المحطب
و شدید الالباب هر که تاخوذ بعقبان و بزم می شد او را
پیش آن آتش می بردند صادق را ضروی نمیرسید و کاذب
خود بخود در آتش میپرید * نقل است شمال سگی
از حوب تراشیده بر دروازه بیت المقدس داشته بودند
اگر حاجی از پیشش میگذشت آن سگ غوغا میکرد پس
بند می شد سحر او * نقل است که دروازه بود در بیت
المقدس اگر یهودی ظالم از آن میگذشت در غضب می
گرفت او را آن درد نمی گذاشت تا آنکه باز آید از کرده
نویس * نقل است که عصای در محراب مسجد داشته
بودند که جز اولاد انبیا علیهم السلام اگر کسی آنرا لمس
میکرد دستش میسوخت * نقل است که اولاد سلاطین
و ملوک در محراب بیت المقدس می آمدند و شب آنجا
می خفتند کبکک صاغنت نصیب او می بود صباح و سانس مطالبه روغن
می نمود * نقل است که در بیت المقدس اردی و مار بسیار
بود چون سیدنا عمر خطاب رضی الله عنه طلب الحیات را که
در کلبه بود پیاد و بطور دو ستون داخل مسجد فرمود
که آن هنوز در آن موجود است - ازان روز ضرر نماند به کسی

نمی رسد اگر کسی را میگذرد و آتی او اینست که نایکحال گمان
 از زمین بیت المقدس خارج نشود اگر روزی هم از آن
 نقصان کند و یک قدم از زمین بیت المقدس بیرون نهد
 فوراً بمیرد * و آنچه مشهور است که نصاری دین یهود بیرون
 آمدن بیت المقدس کلایه های عظیم بنا کرده تصادیر و عجاایب
 در آن داشته اند ما هم شنیدیم و آن اکبر و از دور بد چشم
 خود دیدیم لیکن الحکم نه که از سایه آن محفوظ ماندیم و با وصف
 تحریر بعضی ها کنان بیت المقدس گردشش نگردیدیم *

فصل هیجدهم

در زیارت بیت اللحم که مولانا عیسی علیه السلام است *
 و از ده روز در بیت المقدس قیام کرده اراده زیارت
 مولانا ابراهیم علیه السلام و دیگر مقامات منبر که اثناء طریق کردیم
 و از همان طرف قصد سفر مراجعت اندیشیدیم - مسرت
 سفر از بیت المقدس تا مقام خلل الرحمن که ذکرش
 با تفصیل آینه من آید اگر چه مناعت است بر اکثر عوام
 لیکن در حقیقت از صبح تا شام - و هر چند راه صاف است
 نسبت دیگر مقام لیکن در اثناء راه زیارت بیت اللحم و
 مولانا مبارک عیسی علیه السلام - پس توقف در بین اکبر
 ایله و ضرور و در کن این سعادت هر کسی را منظور - اندرین